

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیأت تحریر «آذرخش»

۱۳ جون ۲۰۱۱

پیروزی باد خط اصولی مبارزه "ساما" (ادامه دهندگان)

اخیراً تحول بزرگی در ساحت ملی - انقلابی کشور رخ داد که تبارزان با اعلامیه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" (ادامه دهندگان) به تاریخ هشتم جون امسال (۱۸ جوزای ۱۳۹۰) در صفحات همین پورتال مسجل گردید. ما ضمن ابراز تبریکات صمیمانه و بی شائبه خود به کادرها و فعالان صدیق و وفادار به خط اصولی "ساما" و آرزوی پیروزی های زیاد شان در راه خدمت به خلق رنج دیده و گروگان شده افغانستان، به منظور جلوگیری از سکوت محاسبه شده که به عنوان وسیله ای برای کم اهمیت جلوه دادن این رویداد مهم و تاریخی احتمالاً تحمیل خواهد شد، وظیفه خود می دانیم تا از احیای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" با پسوند با مسمای ادامه دهندگان به عنوان نقطه عطف در تاریخ مبارزاتی کشور یادآور شویم.

احیای "ساما" حدود یک ماه و اندی قبل، نه تراوش ذهن یک فرد ونه هم روی کاغذ ظاهر شدن خیال پردازی چند تن معدود می باشد بلکه نتیجه تلاش های خستگی ناپذیر، پیگیر و نترس اجتماعات متعدد وفادار به خط اصولی "ساما"، مرکب از یاران واقعاً متعهد به میراث مبارزاتی و آرمان شهدای جنبش انقلابی کشور - و در رأس آنها شهید مجید و شهید رهبر - است که در شرایط بسیار دشوار مادی و امنیتی، توانستند جانبازان به انحراف و انقیاد خط فاصل درشت بکشند و شکوه و هیبت سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را که سرنوشت آن با سرنوشت مردم ستمدیده ما با خون شهدای راه آزادی گره خورده است، به آن برگردانند.

عجوزه پر خط و خال استعمار با نیرنگ های «دموکراسی» و «حقوق بشر» توانست در آغاز اشغال نظامی کشور ما و سراب سرازیر شدن سرمایه های بادآورده برای کمک و "بازسازی"، عده ای را بفریبد ولی با گذشت زمان و بر ملا شدن طرح های بیشمارانه استعمارگران، زورگویی همراه با ظلم بیحد و کشتار بیرحمانه خلق ما توسط آنها، مردم به درک سرشت واقعی مدعیان «دموکراسی» و «تمدن» دست یافتند و تدریجاً با آن فاصله گرفتند. پس زمانی که یک هویت سیاسی از مردم جدا می ماند و به سان فرد غیر سیاسی بی خبر عمل می نماید و در نتیجه عامدانه به تحمیل مردم می پردازد، نمی توان عملکرد آن را اشتباه و یا ابهام نامید زیرا زمانی که افراد عادی بتوانند از ماهیت استعمار و ارتجاع در عمل شناخت پیدا نمایند، افراد سیاسی گردآمده در چارچوب یک سازمان سیاسی - آنهم سازمانی

با گذشتهٔ پر بار مبارزاتی - چگونه ممکن است نتوانند از استعمار شناخت داشته باشند و نقشه های غارتگرانهٔ آنها را تشخیص بدهند؟

نخبگان انقیاد طلب برای توجیه انحراف و موضع ضد مردمی خود، خواستند با ایجاد تئوری عده ای را بفریبند. آنها با پیش نمودن این استدلال عوام فریب که گویا استعمار جهانی به سرمداری اضلاع متحدهٔ امریکا برای آن به افغانستان آمده است تا فئودالیزم را در این کشور ریشه کن ساخته و دموکراسی را به جای آن مستقر سازد، چند صبحی تسلیم طلبی نوین را در سازمان به زعم خود پرده پوشی نمودند درحالیکه جنایات روز افزون امریکا و متحدین در حق مردم بی دفاع ما و همدست بودن نمایندگان فئودالیزم در وجود جنگ سالاران در ادارهٔ مستعمراتی دست نشاندۀ استعمار در جنایات، خود ثبوت بطلان ادعای آن نخبگان به شمار می رود. متأسفانه خون صدها و هزاران قربانی بیگناه قوای اشغالگر که هر روز با بیبایگی تمام ریختنده می شود، نتوانست کوچکترین تکانی به وجدان های آلوده و خفتهٔ نخبگان وارد آورد. این آقایان به این باوراند که دشمن بیرونی و متجاوز با سخاوتمندی و ایثار... بدون انتظار و پاداش... دشمن تاریخی و دشمن طبقاتی کشور مستعمره را از پا در آورده، اتباع مستعمره را یکشبه به سعادت مادی و معنوی محصول «دموکراسی» پخت خودش رسانیده و بعد بدون معطلی خاک کشور مستعمره را ترک خواهد گفت.

تجارب خلق ها در طول تاریخ نشان داده است که استعمارگر هیچ گاه به رضاء و رغبت کشور مستعمره را رها نمی کند، به خصوص زمانیکه اضافه بر امتیازات ستراتیژیک و سوق الحیثی، کشور مستعمره - افغانستان - ذخائر سرشار زیرزمینی داشته و برای سالها استثمار بی رحمانهٔ دول استعماری را تضمین نماید. نخبگان تسلیم طلب نه با اعتراف رئیس جمهور سابق المان - که منجر به برکناری اش شد - به خود آمدند، نه با اعتراف یکی از وزرای انگلیس و نه هم با اظهارات جسته و گریخته و لی عامدانهٔ دیپلمات های دیگر قدرت های اشغالگر در افغانستان که با تعجب، با وجود ادعای آزادی مطبوعات و آزادی بیان، گفتار خود را به شرط گمنام ماندن در رسانه ها به نشر می رسانند. نخبگان انقیاد طلب در تئوری "زدن یک دشمن به وسیلهٔ دشمن دیگر" حتا از تجربهٔ تاریخی سردار داوود هم نیاموختند که چگونه با خیال ساده لوحانهٔ به کار گرفتن قدرت غرب در برابر استعمار شوروی، خواست گویا رندانه به مرام های سیاسی خود برسد. نتیجهٔ آن بربادی مستمر کشور ما و کشتار لاینقطع هموطنان ما است که امروز توسط رقبای استعمار شوروی، با عین میزان شقاوت و بیرحمی ادامه دارد. ممکن اعتراض به میان آید که نمی توان یک دولت در حال قدرت را با رهبری یک سازمان در حال مبارزه مقایسه کرد؛ ولی نباید فراموش نمود که تأکید بر طرز دید و شیوهٔ برخورد است نه بودن یا نبودن در رأس قدرت. آنچه مسلم است این که در موقعیت ضعف و ضربه پذیری از دشمن خارجی، نمی توان با خیال پردازی از تاثیرات احتمالی سیاست آن در تقابل با دشمن داخلی، خط مشی سیاسی و برنامهٔ مبارزاتی یک سازمان انقلابی را تدارک نمود.

همچنان هستند جیره خواران رسوای استعمار و قوای اشغالگر که با پیش کشیدن استدلالات دشمن پسندانه، اضرار استعمار را ناچیز جلوه می دهند و با چشم پوشی بر حذف حاکمیت ملی مردم افغانستان و انکار از عیان بودن اشغال نظامی کشور، گاه برای آیندهٔ افغانستان مطابق طرح ها و اهداف اشغالگران تئوری های «مدرن» و «آینده نگر» افزای می کنند و گاه هم به شیوه ای بس ننگین، و با تئوری های من در آورده، می خواهند اعمار پایگاههای نظامی استعمار را در افغانستان توجیه نمایند. این تئوری سازان مزدور با آن انقیاد طلبان مرکزیت منحرف و طرد شدهٔ "ساما" کدام تفاوت اساسی ندارند بلکه بسا نقاط مشترک آنها را بر سر عین سفرهٔ استعمار باریاب می سازد و هر قدر هم در ظاهر با عوام فریبی به ضد اشغال افغانستان ادا در آورند، عملکردشان به بطلان ادعای شان می انجامد.

ما درحاليکه احياى سازمان آزاديبخش مردم افغانستان "ساما" (ادامه دهندگان) را باز هم به مبارزان دلير آن و به کافه ملت زنجيرشکن خود تبريک و تهنيت مي گوييم، جمع شدن همه عناصر آگاه ، ملي - مترقي و ضد اشغال را که بيرون ريختن قواى اشغالگراز خطه آبائى ما، طرد همه اشکال ارتجاع و به دست گرفتن سرنوشت مردم افغانستان به دست خودشان ، از اميال مقدس شان است، به دور خط اصولى مبارزه ميهنى آرزو مي نمائيم.

پرتوان باد مبارزه اصولى ضد استعمار و ضدارتجاع!

زنده باد مردم!

يا مرگ يا ازادى!

هيات تحرير «آذرخش»

۱۲ جون ۲۰۱۱